

تاریخ ایران از مغول تا صفویه

مقدمه

حمله‌ی چنگیز به ایران و تشکیل حکومت توسط مغولان از مهم‌ترین رویدادها در تاریخ کشور ما به‌شمار می‌آید. این رویداد تأثیرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری به دنبال داشت که تا قرن‌ها بعد پابرجا ماند. به همین دلیل شناخت تاریخ ایران در این زمان اهمیت خاصی دارد. در این درس مطالبی پیرامون چگونگی پیدایش امپراتوری مغول و اوضاع ایران در زمان حکومت آن‌ها می‌خوانید. همچنین با تحولات ایران از انقراض این حکومت تا زمان تشکیل حکومت صفوی آشنا می‌شوید.

مغولان و چنگیزخان

یک سپاه توانمند از نیروی قبایل بود که اعضای آن گوش به فرمان او بودند.

آغاز جهانگشایی چنگیزخان: نخستین کشوری که توجه مغولان را به خود جلب کرد، چین بود. لشکریان



حمله‌ی مغولان به یکی از شهرهای چین. این نقاشی در قرن دهم هجری کشیده شده است.

مغول‌ها مردمی بودند که در سرزمین مغولستان، در شمال چین، زندگی می‌کردند. مغولستان منطقه‌ای است وسیع شامل بیابان‌ها، استپ‌ها و مناطق کوهستانی؛ علاوه بر این منطقه‌ای است کم‌باران با آب و هوایی ناملایم. این شرایط مغولان را مردمی سرسخت بار آورده بود. آن‌ها به شکل قبیله‌ای و به شیوه‌ی کوچ‌نشینی روزگاری می‌گذراندند و نیازهای خود را از راه دامداری و غارت همدیگر یا حمله به سرزمین‌های اطراف تأمین می‌کردند. از نظر سیاسی نیز حکومت یک پارچه‌ای در این منطقه وجود نداشت و هر قبیله به‌طور مستقل زیر نظر رئیس قبیله اداره می‌شد. در اواخر قرن ششم هجری، هم‌زمان با حکومت خوارزمشاهیان، تموچین، فرزند رئیس یکی از قبایل مغول، توانست با متحد کردن تعدادی قبایل و به اطاعت کشاندن بعضی دیگر از آن‌ها زمینه‌ی وحدت سیاسی این سرزمین را فراهم سازد. سرانجام تا اوایل قرن هفتم هجری بسیاری از قبایل مغول ریاست تموچین را پذیرفتند و با اعطای عنوان «چنگیزخان» به او، به فرمان‌روایی وی گردن نهادند. مهم‌ترین اقدام چنگیز در سال‌های نخست، تشکیل



چنگیزخان از نگاه یک طراح چینی

مغول با عبور از دیوار چین قسمت‌های شمالی چین را تصرف کردند. شهرها و روستاهای چین یکی پس از دیگری عرصه‌ی یورش‌های گسترده‌ی مغولان شد. شهر پکن به آتش کشیده شد و بیش‌تر ساکنان آن قتل‌عام شدند. چنگیزخان پس از تصرف چین شمالی به مغولستان بازگشت. در این زمان سپاهیان او با آموختن بعضی فنون جدید جنگی از چینی‌ها، از قبیل نحوه‌ی محاصره‌ی شهرها و استفاده از منجنیق و باروت، آمادگی بیش‌تری برای حمله به سرزمین‌های دیگر داشتند. پس از چین، چنگیزخان متوجه ترکستان در غرب مغولستان شد. چنگیزخان توانست قبایل ترک را نیز به اطاعت خود وادارد. در جریان پیشروی در ترکستان بود که مغولان برای نخستین بار با سپاهیان خوارزمشاهی برخورد کردند. کمی بعد که واقعه‌ی اترار یعنی کشته شدن بازرگانان اعزامی از سوی چنگیزخان رخ داد و بهانه‌ی لازم برای حمله‌ی مغولان به ایران فراهم شد؛ حمله‌ای که نه تنها طومار حکومت خوارزمشاهی را درهم پیچید بلکه مسیر تحول تاریخ ایران را نیز عوض کرد.



امپراتوری مغولان در اوج گسترش

ایران، از بازگشت چنگیز به مغولستان تا تأسیس حکومت ایلخانی

سرزمین‌های تصرف شده از جمله ایران تا حدودی ملایم‌تر شد. هم‌چنین تعدادی از ایرانیان در تشکیلات حکومتی مغول در ایران و حتی مغولستان مشغول به کار شدند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چه عواملی باعث ورود ایرانیان به دستگاه حکومت مغول‌ها شد؟

از زمان اگتای برای مدتی حدود سی سال اداره‌ی ایران زیر نظر تعدادی از مأموران حکومتی مغول بود. مهم‌ترین مأموریت این افراد تثبیت حاکمیت خان مغول، گسترش فتوحات و مهم‌تر از همه گردآوری مالیات بود. آن‌ها برای انجام کارها از دیوانیان ایرانی کمک می‌گرفتند.

در حالی که پیشروی مغولان در ایران ادامه داشت و سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در تکاپوی نجات حکومت خوارزمشاهی بود، به چنگیز خبر رسید که در شرق شورش‌هایی رخ داده است. بنابراین او ادامه‌ی عملیات در ایران را به سرداران خود سپرد و راه بازگشت به مغولستان را در پیش گرفت و پس از آن نیز مجال آمدن به ایران پیدا نکرد. پس از مرگ چنگیز قلمرو او میان چهار پسرش تقسیم شد. اما به وصیت او قرار شد همه‌ی برادران از یکی از آن‌ها به نام اگتای اطاعت کنند. در دوره‌ی فرمان‌روایی اگتای سیاست امپراتوری مغول در برخورد با

یک توضیح

یاسای چنگیزی

چنگیزخان برای انتظام بخشیدن به اداره‌ی امور امپراتوری خود مقرراتی وضع کرد. این دستورات در نزد مغولان به یاسا (= قانون) معروف شد و فرمان‌روایان مغول نسبت به اجرای آن‌ها اهتمام خاصی داشتند.

به تصرف مغولان درآمد بود، اما به‌طور دائم شورش‌هایی بر ضد آنان رخ می‌داد و میان سرداران مغول نیز اختلافاتی بروز می‌کرد. علاوه بر این هنوز دو قدرت عمده که هر یک تهدیدی برای حاکمیت مغولان بودند، وجود داشتند؛ یکی اسماعیلیان و دیگری خلافت عباسی. با توجه به این اوضاع منگوقاآن برادر خود هلاکو را مأمور کرد تا با لشکری تازه نفس راهی ایران شود. هلاکو با لشکری که تعداد افراد آن بالغ بر دویست هزار تن بود، وارد ایران شد.

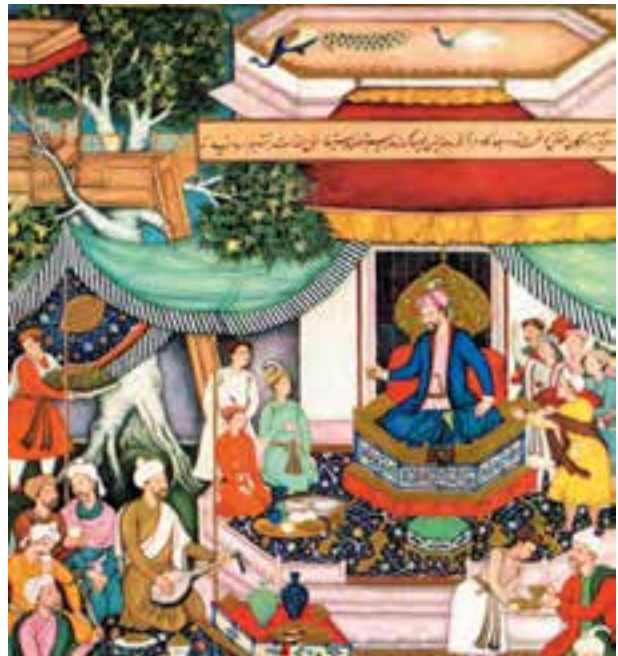
تأسیس حکومت ایلخانی در ایران

با مرگ اگتای (۶۳۹ ه.ق.) میان فرزندان و نوادگان چنگیز کش‌مکش‌هایی روی داد و امپراتوری مغول دچار آشفتگی شد. این وضع تا سال ۶۵۰ ه.ق. که منگوقاآن^۱ نوه‌ی چنگیزخان به حکومت رسید، ادامه داشت. منگوقاآن با جلب همراهی عده‌ای از اعضای خاندان چنگیز و حمایت تعدادی از اشراف و سرداران مغول، مخالفان را سرکوب کرد و بار دیگر به امپراتوری مغول انسجام بخشید. در این زمان اگرچه بخش‌های زیادی از ایران

۱- قاآن به معنی خان بزرگ است. این عنوان برای افرادی از خاندان چنگیز که در مرکز امپراتوری ریاست کل امپراتوری مغول را داشتند، به کار می‌رفت.

«حکومت ایلخانی»^۱ مشهور شد. حکومت هلاکو و فرزندان و نوادگانش در ایران حدود هشتاد سال پابرجا بود. در طول این مدت، هم حکومت ایلخانی تحولات زیادی را از سر گذراند و هم در اوضاع ایران دگرگونی‌هایی رخ داد که در ادامه با آن‌ها آشنا می‌شوید.

ایرانیان مغولان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند
 هلاکو با بهره‌گیری از اندیشه و تجربیات ایرانیان حکومتی را برای خود پایه‌ریزی کرد که بیش از آن که خصلت مغولی داشته باشد، ایرانی بود. از جمله کسانی که در این زمینه مورد مشورت او قرار گرفتند و اداره‌ی امور به آن‌ها واگذار شد، خواجه نصیرالدین توسی، شمس‌الدین محمد جوینی و برادر او عظاملک جوینی را باید نام برد. این افراد که در حکم وزرا و مشاوران حکومت ایلخانی بودند به همراه شبکه‌ای از دیوانیان (کارمندان) ایرانی نقش مهمی در مهار نمودن خوی خشن و ویرانگرانه‌ی مغولان ایفا کردند و بعضاً جان خود را نیز در این راه از دست دادند. عمده‌ی تلاش اینان صرف بازگرداندن آبادانی به کشور و احیای دوباره فرهنگ و تمدن ایران شد. روند همسازی مغولان با ایرانیان پس از پذیرش اسلام توسط غازان خان و مسلمان شدن مغولان ساکن در ایران سریع‌تر شد.



مجلس جشن به افتخار تعیین هلاکو برای مأموریت ایران. منگوقاآن بر تخت نشسته و هلاکو در سمت راست او قرار دارد.

هلاکو پس از غلبه بر اسماعیلیان (۶۵۴ هـ.) و نیز برانداختن خلافت عباسی (۶۵۶ هـ.) راهی شام شد. در حالی که سپاه مغول تا دمشق پیشروی کرده بودند، هلاکو با دریافت خبر مرگ برادرش منگوقاآن و به طمع دست‌یابی به مقام جانشینی او، به ایران بازگشت تا راهی مغولستان شود. در چنین شرایطی سپاه مغول در شام، در محلی به نام عین جالوت، از سپاه مصر شکست خورد. شکست عین جالوت بزرگ‌ترین ضربه‌ای بود که تا این زمان به مغولان وارد شده بود و آن‌ها نیز هرگز نتوانستند این شکست را جبران کنند.

هلاکو در ایران بود که خبر تعیین برادر دیگر خود قوبیلای قاآن را به سمّت خان بزرگ مغول دریافت کرد؛ بنابراین از رفتن به مغولستان صرف‌نظر کرد. قوبیلای نیز حکومت وی را در ایران، عراق و شام تأیید کرد و بدین ترتیب حکومت مغول در ایران شکل گرفت، این حکومت به

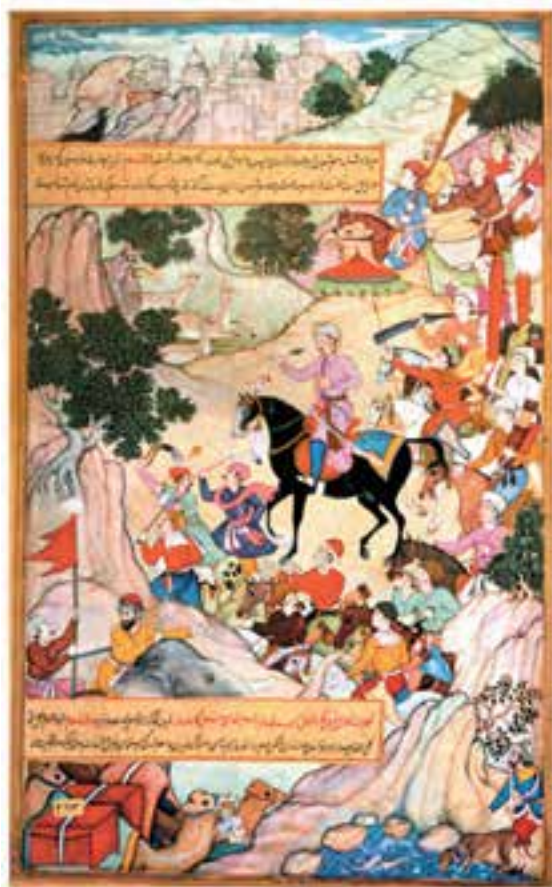
فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چه عواملی در روی آوردن حکومت ایلخانی به اسلام تأثیر داشت؟ حداقل دو مورد را ذکر کنید.

۱- برای ایلخان معانی مختلفی ذکر شده است. بعضی با توجه به یکی از معانی لغوی کلمه‌ی ایل یعنی «اطاعت و تابعیت» آن را به معنی خان تابع دانسته‌اند و معتقدند چون هلاکو و جانشینانش از خان بزرگ مغول که در مغولستان (یا چین) بود تبعیت می‌کردند، به این نام خوانده شده‌اند. عده‌ای دیگر ایلخان را به معنی خان ایل‌ها گرفته و آن را ناظر بر ریاست هلاکو و خاندانش بر ایل‌های مغول مستقر در ایران می‌دانند.



قلمرو ایلخانان در زمان غازان خان



غازان خان در حال خروج از شهر تبریز

دوره‌ی حکومت غازان خان از جهات مختلف، در تاریخ ایران در عصر مغول، اهمیت دارد؛ از جمله آن که غازان خان علاوه بر مسلمان شدن، تابعیت از خان بزرگ مغول را نیز کنار گذاشت و بدین ترتیب استقلال حکومت ایلخانی را کامل کرد. در چنین شرایطی زمینه برای حضور گسترده‌تر ایرانیان در صحنه‌ی سیاسی آماده شد. غازان خان که اکنون خود را پادشاه یک کشور مسلمان می‌دانست، با راهنمایی وزیران و مشاوران ایرانی خویش به‌ویژه خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از اقدامات اصلاحی حمایت کرد. در زمینه‌ی سیاسی بر یک پارچگی حکومت ایلخانی افزوده و به شورش‌های داخلی و خودسری بعضی حکام و سرداران پایان داده شد. برای اداره‌ی بهتر سپاه و جلوگیری از غارتگری‌های سپاهیان، قواعدی وضع شد که از جمله تعیین مقرری برای سربازان و واگذاری زمین‌هایی به فرماندهان بود. مسأله‌ی مالیات‌ها که تا این زمان یکی از مشکل‌سازترین مسائل بود و به‌ویژه

که ابوسعید دومین جانشین غازان خان بدون داشتن فرزند و جانشین از دنیا رفت (۷۳۶ ه.س.)، زمینه برای انقراض حکومت ایلخانی فراهم تر شد. در این زمان هر یک از سرداران مغول با عَلم کردن کسانی که به نحوی با خاندان ایلخانی نسبتی داشتند، درصدد کسب قدرت برآمدند. این اوضاع یک پارچگی سیاسی را از بین برد و تا نیم قرن در هر گوشه از ایران حکومتی محلی وجود داشت. در نقشه‌ی صفحه‌ی بعد می‌توانید با این حکومت‌ها آشنا شوید.

فکر کنید و پاسخ دهید:

حافظ شاعر بلند آوازه‌ی ایران در دوران پس از انقراض ایلخانان زندگی می‌کرد. آیا شعری از او به‌خاطر دارید که به نحوی منعکس‌کننده‌ی اوضاع آن زمان باشد؟

مردم از آن در رنج بودند، با وضع برخی قوانین، تا حدودی سامان یافت. در زمینه‌ی کشاورزی نیز اقداماتی، چون تعیین نظام مالکیت و بازسازی بعضی شبکه‌های آبیاری انجام گرفت. فعالیت مساجد و مدارس نیز رونقی بیش از پیش یافت.

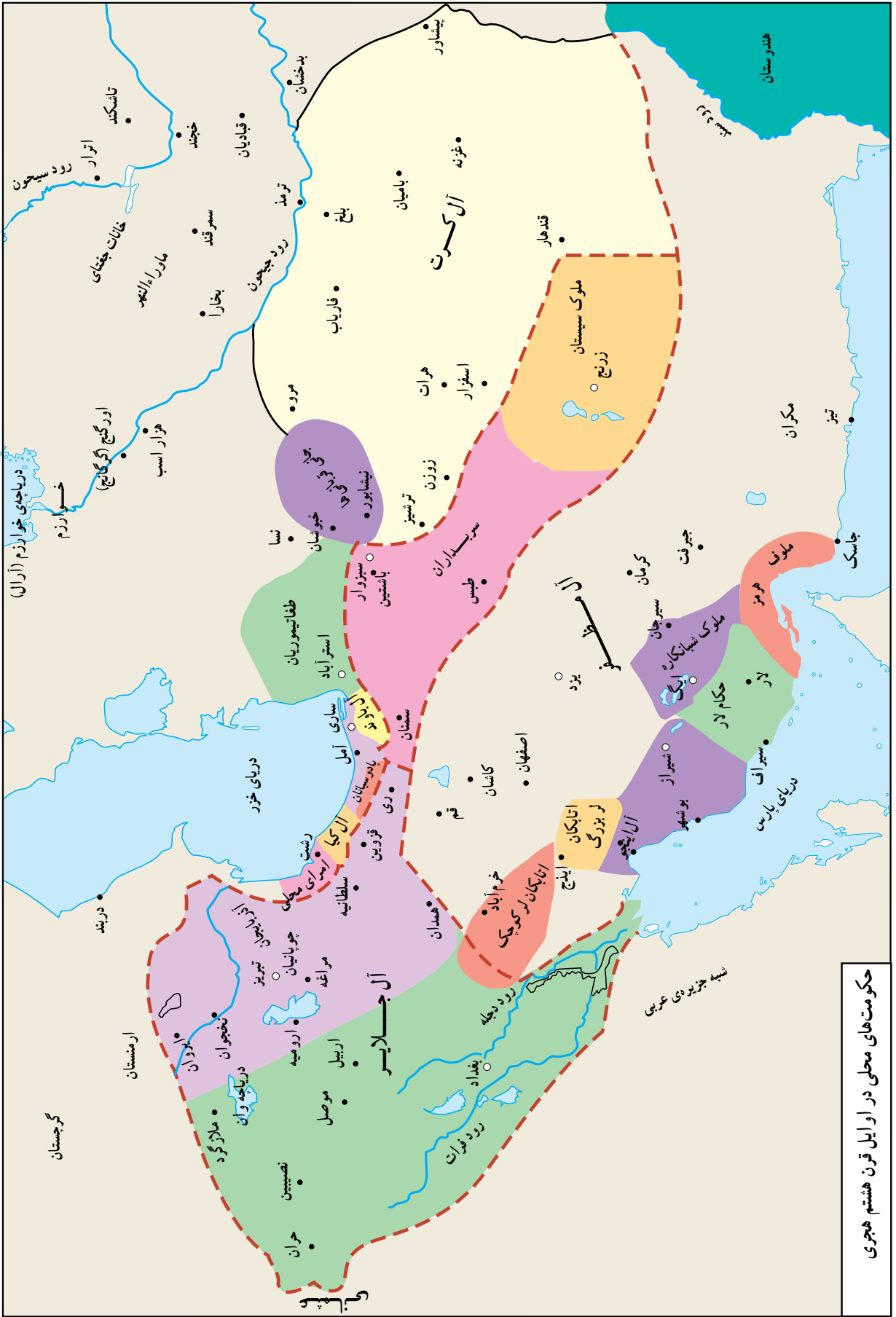
انقراض حکومت ایلخانی و تشکیل حکومت‌های متعدد در ایران

اقتدار سیاسی و رونق و آبادانی نسبی که در زمان حکومت غازان خان به‌وجود آمد، پس از مرگ او چندان دوام نداشت. زیاده‌طلبی‌های اشراف و سرداران مغول، رقابت و درگیری آن‌ها با دیوان‌سالاران ایرانی، درگیری با دیگر حکومت‌های مغولی در مرزهای شرقی و شمالی و افزایش ستم بر مردم از جمله عواملی بود که بار دیگر اوضاع کشور را آشفته کرد. در چنین شرایطی هنگامی

یک توضیح

قیام سربداران

یکی از وقایع مهم تاریخ ایران در دوره زوال حکومت ایلخانی، قیام سربداران در خراسان بود که به تشکیل حکومت توسط آنان منجر شد. ماجرا از این قرار بود که پس از مرگ ابوسعید و گسترش ستم و ناامنی، گروهی از اهالی روستای باشتین (در نزدیکی سبزوار کنونی) به رهبری فردی به نام عبدالرزاق با مأموران مغول که به مردم تعرض می‌کردند، درگیر شدند. آن‌ها با کشتن مغولان اعلام کردند که حاضرند سرشان بالای دار برود ولی تن به ذلت ندهند؛ از این جهت به سربداران مشهور شدند. به زودی افراد بیش‌تری به سربداران پیوستند و بخش‌هایی از خراسان به تصرف آن‌ها درآمد. از سویی نیز شیخ حسن جوری از رهبران مذهبی شیعه که هواداران زیادی در شهرهای خراسان داشت به حمایت از سربداران پرداخت و به دنبال آن حکومت سربداران تأسیس شد. این حکومت تا زمان حمله‌ی تیمور به ایران یعنی حدود پنجاه سال پابرجا بود.



حکومت‌های محلی در اوایل قرن هشتم هجری

تیمور در ایران

بگیرند، قیامی رخ داد که به کشته شدن عده‌ی زیادی از این مأموران انجامید. به دنبال این ماجرا تیمور دستور تصرف کامل شهر و ویران کردن آن را داد و بسیاری از اهالی آن‌جا کشته شدند.

تیمور در جریان واپسین لشکرکشی خود به غرب ایران، که در سال‌های نخست قرن نهم هجری صورت گرفت، متوجه آسیای صغیر شد و در آن‌جا با سلطان بایزید فرمان‌روای عثمانی^۱ جنگید و بر او پیروز شد. در جریان این حمله شهرهای دمشق و بغداد به تصرف تیمور درآمد و او تا نزدیکی مرزهای مصر پیشروی کرد. تیمور در اواخر عمر به فکر حمله به چین افتاد تا با تصرف آن‌جا به آرزوی خود در تسلط بر تمامی متصرفات چنگیزیان جامه‌ی عمل بپوشاند؛ اما در بین راه در شهر اترار یعنی همان نقطه‌ی آغاز حملات چنگیز به سوی ایران، از دنیا رفت.



مقبره‌ی تیمور در سمرقند

در اواخر قرن هشتم هجری در حالی که حکومت‌های منطقه‌ای مختلف در گوشه و کنار ایران سرگرم منازعه با هم بودند، کشور ما با یورش تازه‌ای از سوی ماوراءالنهر مواجه شد. این یورش که یادآور حملات چنگیزخان بود، به سرکردگی تیمور انجام شد. تیمور خود را از بستگان چنگیز معرفی می‌کرد و مدعی میراث‌داری او بود. هنگامی که تیمور به سنین جوانی رسید ماوراءالنهر نیز، هم‌چون ایران دچار آشفتگی شده بود و سرداران و شاهزادگان مغول مشغول کش مکش با یک‌دیگر بودند. تیمور نیز به این عرصه پا نهاد و توانست با حذف رقیبان خویش به تدریج بر سراسر ماوراءالنهر مسلط شود. او در این راه جنگ‌های بسیاری انجام داد.

تیمور پس از تحکیم پایه‌های حکومت خود در ماوراءالنهر، متوجه ایران شد. او بر آن بود که حکومت و قلمروی مشابه آن‌چه چنگیزخان و فرزندان‌ش تشکیل داده بودند، به‌وجود بیاورد و در رسیدن به این مقصود از هیچ کاری ابا نداشت. از سوی دیگر وضع موجود در مناطق مختلف ایران (که تعدد حکومت‌ها و رقابت و درگیری آن‌ها مهم‌ترین مشخصه آن بود) امکان موفقیت تیمور در سلطه بر ایران را دو چندان کرده بود. تیمور و سپاهیان‌ش طی چند حمله که در مجموع حدود پانزده سال طول کشید، نواحی مختلف ایران را تصرف کردند. در نتیجه حکومت‌های مختلفی که در گوشه و کنار ایران وجود داشتند، منقرض شدند.

در جریان این حملات بسیاری از شهرها و روستاها ویران و هزاران نفر کشته شدند. سبزوار، تبریز و اصفهان از جمله شهرهایی بودند که زیان فراوان دیدند. در این میان اصفهان سرنوشت هولناک‌تری داشت. زیرا در آن‌جا بر ضد مأموران تیمور که وارد شهر شده بودند تا اموالی را از مردم

۱- حکومت عثمانی پس از فروپاشی حکومت ایلخانی در آسیای صغیر، توسط گروهی از ترکان مرزنشین تشکیل شد و با تصرف سرزمین‌های اطراف تا حد یک امپراتوری وسعت یافت. درباره‌ی این حکومت و سرانجام آن در سال بعد پیش‌تر خواهید خواند.

جانشینان تیمور

قلمرو تیمور بعد از مرگش به سرعت تجزیه شد. بروز اختلاف میان فرزندان و نوادگان او و شورش‌های مردم و بعضی قدرتمندان محلی عامل اصلی این وضع بود. پس از چند سال کش‌مکش میان اعضای خاندان تیموری، سرانجام شاه‌رخ پسر تیمور که در خراسان به سر می‌برد، توانست حکومت را به دست بگیرد. او پایتخت را از سمرقند به هرات منتقل کرد. شاه‌رخ اگرچه بر همه‌ی متصرفات پدرش تسلط نداشت، اما در مجموع شاه‌زادگان تیموری از او اطاعت می‌کردند. در زمان فرمان‌روایی شاه‌رخ دگرگونی‌های قابل توجهی در سیاست‌های حکومت تیموری به وجود آمد. او که خود سال‌ها در محیط فرهنگی و تمدنی ایرانی زیسته و تحت تأثیر آن قرار گرفته بود، سیاست‌های توسعه طلبانه‌ی پدر را کنار گذاشت و به برقراری آرامش و امنیت و توسعه‌ی علم و فرهنگ توجه

بیش‌تری نشان داد. به همین دلیل از اتکای حکومت تیموری به اشراف و قبایل مغول و ترک کاسته شد و رجال ایرانی در اداره‌ی امور نقش بیش‌تری یافتند. گوهرشاد، همسر شاه‌رخ، نیز از جمله کسانی بود که به حمایت از سیاست‌های تازه پرداخت. به دستور او بناهای باشکوهی در هرات و شهرهای دیگر ساخته شد. مسجد گوهرشاد در مشهد از یادگاری‌های اوست.

پس از مرگ شاه‌رخ (۸۵۰ ه.ق) پسرش الغ بیگ جانشین او شد. الغ بیگ نیز فردی دانش دوست بود و بیش‌تر عمر خود را صرف مطالعه و تحقیق، به‌ویژه در ریاضیات و نجوم کرد. این وضع، اگرچه به رونق علم و فرهنگ کمک کرد، درعین حال موجب غفلت او از امور سیاسی و نظامی شد. در همین زمان به تدریج قدرت‌های جدیدی در گوشه و کنار قلمرو تیموریان سر برآوردند که از جمله می‌توان دو حکومت قراویونلو و آق قویونلو را نام



قلمرو تیموریان در زمان شاه‌رخ

برد. این دو حکومت توسط ترکمانانی^۱ که از آغاز حملات مغول در غرب ایران و آسیای صغیر به سر می‌بردند، تشکیل شد و هم‌زمان با تجزیه‌ی حکومت تیموری، نیمه‌ی غربی ایران را تحت سلطه‌ی خود درآورد. در زمان جانشینان الغ بیگ باز هم از قلمرو حکومت تیموریان کاسته شد و سرانجام به خراسان و هرات محدود گردید. در این زمان ازبکان، که از بازماندگان مغولان در منطقه‌ی خوارزم بودند، قدرت یافتند و ماوراءالنهر را تصرف کردند. در حالی که اختلاف میان شاه‌زادگان تیموری بالا گرفته بود، هرات نیز مورد هجوم ازبکان قرار گرفت و حکومت تیموریان در ایران به پایان رسید. هم‌زمان با این رویدادها بود که حکومت صفوی در غرب ایران جای حکومت ترکان را گرفت. صفویان مدتی بعد، با عقب راندن ازبکان، بیش‌تر متصرفات تیموریان را در اختیار خود گرفتند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- تحولات مهم تاریخ مغولان تا پیش از حمله به ایران کدامند؟
 - ۲- بی‌آمدهای لشکرکشی هلاکو به ایران چه بود؟
 - ۳- عوامل زمینه‌ساز انحطاط حکومت ایلخانان را ذکر کنید.
 - ۴- اوضاع ایران در آستانه‌ی آغاز حملات تیمور چگونه بود؟
 - ۵- پس از مرگ تیمور چه تحولی در حکومت تیموری ایجاد شد؟
 - ۶- نقش رجال ایرانی را در تحولات تاریخی عصر مغول ارزیابی کنید.
 - ۷- از مجموعه رویدادها و تحولات تاریخ ایران در دوره‌ی مغول و تیموری چه نتایجی می‌توان گرفت؟
- (حداقل ۳ مورد)

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره‌ی یکی از افرادی که نامشان در این درس آمده، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره‌ی روابط مغولان با اروپاییان (مسیحیان) مطلبی تهیه کنید.
- ۳- آیا تاکنون فیلمی دیده‌اید که موضوع آن به تحولات تاریخ ایران در دوران مورد بحث در این درس مربوط باشد؟ چنانچه پاسخ شما مثبت است، گزارشی درباره‌ی محتوای آن بنویسید.
- ۴- با جست و جو در اینترنت، مطالبی درباره‌ی مغولستان و مردم آن در گذشته و حال، تهیه کنید.

۱- درباره‌ی معنای ترکمان اتفاق نظری وجود ندارد. گفته شده است ترکمان به معنی «ترک مانند» و «ترک بزرگ» است و این شاید به خاطر آن است که میان کسانی که به این نام خوانده شده‌اند با ترکان شباهت‌های زیادی وجود دارد.